

رویکرد انسانی - محیطی در طراحی معماری منظر

محسن فیضی*، محمد باقری** و حمید رضا عظمتی***

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، بازشناسی و تحلیل رویکرد های متفاوت در طراحی معماری منظر و پیشنهاد رویکرد کل گرای انسانی-محیطی در ارتباط با مسایل جاری معماری منظر در ایران است. به این منظور ابتدا هدف ها و رویکرد های رایج جزء گرا در معماری منظر معرفی و تحلیل می شود. آنگاه الگوی کل گرا، مبتنی بر رویکرد انسانی-محیطی به طراحی منظر در سه حوزه زیبایی شناسی، بوم شناسی و اجتماع محلی طرح شده و نقش هر حوزه در تامین نیازها و شکوفا سازی قابلیت های انسانی تبیین می شود. در رویکرد پیشنهادی، ادراک معماری منظر، فرآورده ها تعامل بین ابعاد انسانی(تجربی) و محیطی(فضایی) شناخته می شود. ابعاد انسانی(تجربی) منظر شامل تقویت حس مکان و تعلق مکانی، بازسازی ذهنی و روحی انسان، تعریف قلمروهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی، تسهیل جهت یابی و راهیابی در فضا و نیز القای هویت، امنیت و مطلوبیت محلی است. ابعاد محیطی(فضایی) منظر شامل تعریف مکان ها، مسیرها و قلمروها است و طراح منظر بایستی به سامان دهی مکان ها (مراکز مبدا و مقصد)، مسیرها (راه ها) و قلمروها (محدوده ها)ی کالبدی بپردازد. در پایان مقاله، طراحی منظر شهر ایرانی به عنوان یک نمونه موردی بررسی و چنین استنتاج شده است که، با توجه به گستردگی شهرهای ایران با مناظر انسانی-محیطی متنوع، باز شناخت چشم انداز شهر ایرانی، به عنوان پیش نیاز طراحی معماری منظر ضروری است.

کلید واژه ها: طراحی معماری منظر، رویکرد انسانی-محیطی، زیبایی شناسی، بوم شناسی، اجتماع محلی، منظر شهری

۱- مقدمه

هدف اصلی طراحی منظر^۱ ساماندهی فضای فعالیت انسان در محیط های بیرونی است. "معماری منظر، هنر، دانش و حرفه ای بین رشته ای است که ساماندهی و طراحی فضاهای بیرونی موضوع کار آن است." [۱]

توجه به فضاهای باز طبیعی و مظاهر آن از دیر باز در تمدن های ایرانی و چینی شناخته شده است. آیین های طبیعت-مدار ایرانی، باغ های ایرانی و مذهب های طبیعت گرای چینی نماد های درخشان آگاهی فرهنگ های شرقی از محیط و منظر بوده است.

همچنین در نوشته های نظم و نثر فارسی به کرات از منظر و اصطلاحات مشابه آن سخن به میان آمده و تصویر سازی های بدیعی از دید و منظر در آن ها موجود است.^۲ اما اصطلاح منظر در معنای غربی آن نخستین بار در عهد رنسانس و برای تحسین زیبایی طبیعت بکر مطرح شد و از قرن هیجدهم میلادی نویسندگان، فضای طبیعت و کوهستان را صحنه داستان های خود قرار دادند و نقاشان با رویکردی جدید به منظره پردازی روی آوردند. واژه معماری منظر^۳ برای نخستین بار در کتابی از Gilbert Laning Moason که در سال ۱۸۲۷ چاپ شد، برای توصیف یک تابلوی نقاشی ایتالیایی به کار رفت. همچنین عنوان حرفه ای معماری منظر در سال ۱۸۵۸، با طراحی بوستان مرکزی^۴ نیویورک توسط فردریک لاو اولمستد و کالور وو که در مسابقه برنده شده و خود را معمار منظر

*- استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی- دانشگاه علم و صنعت ایران
(نویسنده مسئول) پست الکترونیکی mfaizi@iust.ac.ir
**- دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی- دانشگاه علم و صنعت ایران
***- دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی- دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- رواق منظر چشم من آشیانه توست کرم نما وفرد آ که خانه خانه توست

3. Landscape Architecture

4. Central Park

1. Landscape Design

مخرب در استفاده نامطلوب از این منابع بود. بنابراین، به درستی، نگاه جوامع مختلف در جهت بهره برداری از این منابع تغییر کرد، به نحوی که الگوهای توسعه شامل حداقل تخریب و حداکثر حفاظت از محیط زیست باشند. در چنین شرایطی است که این ذخایر می توانند به عنوان میراثی گرانبها در اختیار نسلهای آتی نیز قرار گیرند. این نگرش نوین به برنامه ریزی، توسعه پایدار نامیده شده است. مطابق تعریفی که در سال ۱۹۸۲ در گزارش کمیسیون جهانی سازمان ملل در همین رابطه یعنی در خصوص توسعه و محیط زیست آمده، توسعه پایدار توسعه ای است که بتواند ضمن تامین نیازهای حال حاضر توانایی نسلهای آینده را نیز در برآورده ساختن نیازهای خود به مخاطره نیاندازد [۳].

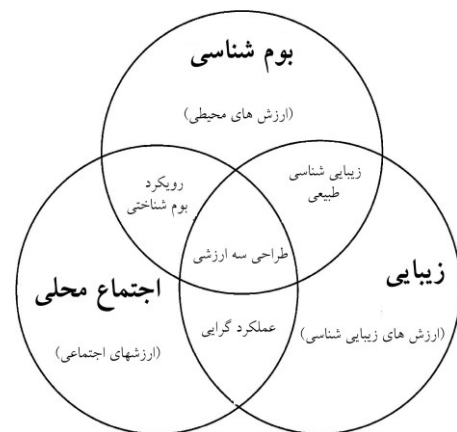
البته صرفه نظر از به وجود آمدن چالشهای زیست محیطی ای که منجر به خلق چنین نگرشی شد، بینش اخلاقی نیز حکم می کند ما در مقابل نسلهای آینده مسئولیم، همان گونه که انتظار نداشتیم پیشینیان ما غیر مسئولانه با این موضوع برخورد کنند. لذا با بسط این دیدگاه و با دید منصفانه خواهیم دید که شاید بسیاری از نیروگاهها، سد ها و پروژه های قرن معاصر که در تامین نیازهای امروز ما اهمیت داشته اند به جهت تخریب محیط زیست و ایجاد آلودگی، فرصت استفاده بهینه از منابع طبیعی را از آیندگان صلب کرده اند. چه بسا هر کدام از این فعالیتها در هنگام طرح موضوع، تخریب طبیعت را پیش بینی نمی کردند لکن در هنگام اجرا و بهره برداری در عمل دچار مشکل گردیدند. بنابراین توسعه پایدار، زمانی می تواند جنبه پایداری داشته باشد که هم در مقام نظر و هم در عمل برای همیشه تداوم داشته باشد. امروزه توسعه انسانی پایدار مورد تاکید ویژه قرار دارد که منظور از آن آماده سازی انسان ها برای مشارکت در توسعه است به نحوی که خود انسان نیز از زندگی پایدار (مادی و معنوی) بهره برده و همین شانس را برای آیندگان نیز در نظر داشته باشند [۴].

تام ترنز معتقد است که محیط و طبیعت از سویی یکی از پایه های ساختاری نظریه توسعه پایدار است و از سوی دیگر بستر اصلی معماری منظر نیز است. از این رو، توجهات بوم شناختی (زیست محیطی) در فعالیت های معماری منظر در مراحل برنامه ریزی، مدیریت و طراحی مورد توجه بسیاری از متخصصین این حرفه قرار گرفته

معرفی کردند رایج شده است. انجمن معماران منظر آمریکا^۱ نیز سالها بعد در سال ۱۸۹۹ تاسیس شد [۲].

۲- بزرگترین رویکرد های طراحی در معماری منظر

به استناد مطالعات و پژوهش های متفاوت نظیر بررسی و مرور ادبیات معماری منظر، مصاحبه با معماران منظر و تجزیه و تحلیل تجارب عملی و حرفه ای، گرایش های اصلی در معماری منظر را می توان در سه رویکرد زیبایی شناسی، اجتماع محلی و بوم شناسی (محیط زیست) دسته بندی کرد [۳]. به این ترتیب فعالیت معماران منظر می تواند حداقل واجد یکی از سه ارزش یاد شده باشد، البته بدیهی است که گاهی فعالیت های انجام یافته می تواند دارای دو یا حتی هر سه نوع رویکرد نیز باشد. با توجه به اینکه تقسیم بندی یاد شده با بسیاری از نظریه های مطرح در زمینه طراحی معماری و محیط سازگار است، در ادامه به تشریح و تبیین آنها می پردازیم.



رویکرد های اصلی در طراحی و معماری منظر (بوم شناسی، زیبایی شناسی و اجتماع محلی) [۳]

رویکرد بوم شناختی: در تبیین گرایش بوم شناختی معماری منظر، ضرورت پرداختن به این رویکرد اهمیت ویژه ای دارد. توجه به این رویکرد از طراحی منظر زمانی تقویت شد که انسان متوجه شد نیازهای امروزی وی با امکانات و منابع موجود کره زمین به جهت پایان پذیر بودن آنها منطبق نیست. عامل دیگر این توجه به وجود آمدن بحران های زیست محیطی بود که عامل آنها نیز تکیه افراطی بر وفور ذخایر طبیعی و عدم توجه به تاثیرهای

^۱ American Society of Landscape Architects (ASLA)

و منظر دانسته شده است. در این دیدگاه، کیفیت های هنری سیمای محیط و منظر مورد تاکید است. بیشتر مردم و حتی متخصصان برنامه ریزی و طراحی، هدف اصلی معماری منظر را زیبا سازی و آرایش محیط پیرامونی می دانند. سایمون بل می نویسد «هنگامی که از واژه منظر استفاده می کنیم بسیاری از مردم مناظر زیبا یا طبیعت را به ذهن می آورند، برخی نیز ممکن است آن را با هنر منظر سازی و نقاشی هنرمندان مرتبط بدانند. واژه منظر آنقدر به منظره پردازی و نقاشی نزدیک است که ملاحظات زیبایی شناسی بین این دو را می توان یکسان تلقی کرد» [۷].

اگرچه طبیعت به خودی خود و به عنوان مخلوق خداوندی زیبا است اما انسان نیز بایستی با ساماندهی محیط، این بستر را در راستای تامین نیازهای خود هماهنگ و در آن دخل و تصرف نماید. اما چگونگی این دخل و تصرف ها موضوعی است که تفاوت نظر هایی را در بین معماران منظر به وجود آورده است. در حالی که گروهی از معماران منظر تاکید می کنند مداخله ها در محیط و منظر طبیعی بایستی نامحسوس باشد و کار طراحی در حد سازگار سازی محیط و منظر با نیازهای انسان است، گروهی دیگر معتقدند معمار منظر مسئول خلق زیبایی های جدید در محیط و منظر است تا به آن ویژگی انسانی ببخشد. برخی از معماران منظر آنقدر ویژگی زیبایی را در کارهای خود شاخص می کنند که دیگر ارزشهای معماری منظر از بین می رود. به عبارت دیگر آنها معتقدند، معمار منظر می تواند طرحهای قاطعی خلق کند که توان برابری با ساختمان های نوین را داشته باشد [۳].

شاید بتوان تفاوت این دو گروه را به تفاوت در مکان های طراحی نیز مربوط دانست. در حالی که روح طبیعت بر فضاهای باز حومه و برون شهری حاکم است، کار اصلی معمار منظر هماوایی با طبیعت و سازگار سازی محیط با نیازهای انسانی است. اما در فضاهای باز درون شهری، لازم است معمار منظر از راه طرح های صریح و تجسمی به خلق زیبایی های جدید دست زده و از نازیبایی ها و خشونت های بصری محیط شهری بکاهد.

هوبارد و کیمبال معماری منظر را هنری ظریف تعریف کرده اند که مهمترین عملکرد آن ایجاد و حفظ زیبایی در مجاورت سکونت گاه بشری و در مقیاس بزرگتر گسترش چشم اندازهای طبیعی اطراف و همچنین ارایه دهنده آسایش، راحتی و بهداشت برای شهر نشینان است تا آنان

است. همان گونه که روانشناسی گشتالت در واکنش به تمرکز جزء گرایانه بر عنصرهای ادراکی افراد به طور مجزا شکل گرفت، بوم شناسان نیز رابطه های بین موجودات زنده و محیط اطرافشان را به صورت کل گرایانه مورد مطالعه قرار می دهند و به عنوان یک رشته علمی، آن را جانشین تمرکز جزء گرایانه زیست شناسان و گیاه شناسان بر موجودات به صورت مجزا از هم می دانند. در بوم شناسی منظر، به جای بررسی محیطهای زیستی به صورت مجزا از یکدیگر، ساختارها و الگوهای موجود در چشم انداز مورد تحلیل و طراحی قرار می گیرد [۵].

برایان هاکت نیز میان معماری منظر و دیگر حرفه های طراحی تفاوت قائل می شود. او معماری منظر را در رابطه با معماری ساختمان قادر به تغییر و رشد می داند و معتقد است این روند در طول میلیونها سال ادامه داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. به عقیده او کاری که می توان انجام داد، تغییر و سازگاری منظر با برنامه های جدید است. محدودیتهای موجود در چرخه اکولوژی و فرایندهای زیست محیطی عامل هایی خواهند بود که گرایش های فردی را در طراحی محدود خواهند کرد. در صورتی که امکان اعمال مقاصد شخصی در حرفه مهندسی، معماری و صنعت به مراتب بیشتر وجود دارد [۶]. نگرش بوم شناختی (اکولوژیک) امروزه در بین بسیاری از معماران منظر وجود دارد و به عنوان یک رویکرد ارزشی برای معماری منظر دارای طرفداران بسیاری می باشد.

رویکرد زیبایی شناختی: حس زیبایی شناسی و زیبایی دوستی از جمله گرایش های فطری انسان است که او را در تمام مراحل و عرصه های زندگی همراهی می کند. تاثیر این گرایش در تمام زندگی انسان از جمله ساماندهی محیط و معماری منظر که دخل و تصرف انسان در طبیعت به منظور بر طرف ساختن بخشی از نیاز های مادی و معنوی وی است در ارزش های زیبایی شناسانه محیط و منظر آشکار می باشد. توجه به زیبایی معماری، محیط و منظر اجتناب ناپذیر است چرا که محتوی یک اثر همواره در قالب یک شکل کالبدی تجلی می کند. اما معماری منظر به دلیل توجه ویژه ای که به طبیعت دارد، ظرافت های بیشتری را در به کارگیری عنصرها و سبک ها برای زیبایی بخشی به فرآورده های طراحی طلب می کند.

در بررسی دیدگاههای مردم نسبت به محیط و منظر، زیبایی شناسی همواره یکی از وجوه اصلی تفسیر از محیط

تازه فراهم می آورد. در هر حال طراحی برای مردم است. بنابراین، باید دانست آنان چگونه فکر می کنند، به چه چیزی نیاز دارند، چه می خواهند و چگونه می توان حضور آنان را در فضای مورد طراحی تضمین نمود.

۳- رویکرد انسانی - محیطی در طراحی معماری منظر

رویکرد انسانی - محیطی در طراحی معماری منظر پاسخی نوین به خلاهای نظری این رشته نو پا در ایران است. به دلیل سیطره تفکرات نخه گرا و قطعیت پسند در طراحی محیطی، بیشتر طرح های اجرا شده معماری منظر در کشور، فرآوردهی سلیقه فردی طراحان بوده، به دلیل نگرش جزء گرا، فاقد تاثیر گذاری لازم بوده اند. در نتیجه طرح های به اجرا در آمده به دلیل کم توجهی یا بی توجهی به ابعاد متفاوت طراحی، فاقد برانگیزندگی، پاسخگویی یا پایداری لازم بوده اند. وجود بوستان های شهری کم استفاده یا بی استفاده از شواهد این مسأله هستند.

رویکرد انسانی - محیطی را نظریات متعددی در حوزه معماری و محیط و منظر و روانشناسی محیطی پشتیبانی می کنند. نظریه های فضای هستی کریستین نوبرگ شولتز، نظریه های مکان دیوید کانتر و نظریه حس مکان جان پانتز نمونه های قابل توجهی از الگوسازی در روابط انسان - محیط به دست داده اند. کریستین نوبرگ شولتز در نظریه فضای هستی بین حضور انسان در فضای هستی و درک وی از فضای معماری و منظر رابطه ای عمیق تبیین کرده است که ریشه در آرای روانشناس شهیر پیاژه، در زمینه رشد و تکامل انسان دارد.

بتوانند برای تجدید قوا و کسب آسایش و آرامش، به چشم اندازهای روستایی دسترسی داشته باشند [۶]. در تعریف یاد شده نیز جایگاه ویژه ای برای بُعد زیبایی منظر تعریف شده است.

ارزش های اجتماعی: ارزشهای اجتماعی در طراحی منظر یکی دیگر از مبناهایی است که برای خلق فضاهای بیرونی منطقی و پاسخگو به کار می رود. رویکرد عملگرایانه طراحی منظر با تاکید بر عقلانیت می تواند جایگاه طراحی منظر را ارتقا دهد. "کریستوفر الکساندر" و "ویلیام وایت" اطلاعات ارزشمندی را در خصوص جنبه های اجتماعی طراحی ارائه کرده اند. در این دیدگاه طراحی منظر همان قدر که با جنبه های فیزیکی فضای باز درگیر است با مردم نیز سر و کار دارد. طراحی مشارکتی و توجه به ترجیحات استفاده کنندگان از محیط و منظر در چند دهه اخیر به نحو گسترده ای رایج شده است تا مردم را در فرایندهای تصمیم گیری در خصوص مکانهایی که در آنها زندگی، کار و استراحت می کنند سهیم کنند. اگرچه در میزان تاثیر گذاری این رویکرد در کیفیت محیط و منظر در شرایط مختلف متفاوت است، اما اهمیت و نقش این رویکرد در سرنوشت نهایی طرح های معماری منظر بر همگان آشکار است.

مشاهدات فضاهای خلق شده در کشورهای غربی نشان داده است که لزوماً توجه به کالبد و شکل بدون توجه به محتوی عملکرد مورد نظر، افراد ذینفع، نحوه تعاملات اجتماعی در آنها و از همه مهمتر نیازهای انسانی در آنها، فضای مطلوبی ایجاد نمی کند. در بسیاری از موارد مشاهده شده است که فضاهای طراحی شده به لحاظ ویژگیهای زیبایی شناسانه دارای ابعاد مناسب بوده و از ملاحظات هنرمندانه برخوردار بوده اند اما لزوماً مطلوب نبوده اند. استفاده کم، خرابکاری در محیط، وجود جرم و جنایت و یا ترس از آن عامل های مهمی در عدم مطلوبیت محیط های شهری محسوب می شوند [۸].

مشارکت مردم با معماران منظر در طراحی، مزایای فراوانی در بر دارد. این روش می تواند طراحان منظر را با دیدگاهها و سلیقه های مردم که در واقع استفاده کنندگان فضا و منظر هستند آگاه سازد و اطلاعات مناسبی را برای ارزیابی پیرامون مکان از راه بررسی های محلی فراهم کند. همچنین فرایند مشارکتی فرصت مناسبی برای ایده های

آنها را ولو برای لحظاتی در شرایط بازسازی ذهنی و روحی قرار دهند. همچنین طراحی محیط و منظر می تواند با تعریف قلمرو های عمومی نیمه عمومی و خصوصی امکان تعامل اجتماعی و قلمروپایی را برای استفاده کنندگان ایجاد کند.

جهت یابی، راهیابی و مسیریابی نیز یکی از هدف های عملکردی معماری منظر است. این هدف از راه تدابیری نظیر فضا سازی و نشانه گذاری های محیطی ممکن می شود. جا به جایی و تغییر مسیر و جهت، برخورداری از چشم انداز مناظر و دیدهای متوالی و متنوع، تعریف ورودی و خروجی و ایجاد دروازه و لبه در فضا و طراحی عملکردی های متفاوت برای نیل به این منظور مفید است. دیگر مشخصه مهم معماری منظر کمک به القای هویت کالبدی از راه تداوم شناسه های محیطی، تمایز کالبدها و عملکردها و نشانه ها است.

شناخت موضعی			سلسله مراتب ادراک محیطی
تقارب	تداوم	تقارن	شناخت موضعی از اشیا و محیط
قلمرو	مسیر	مرکز و مکان	عنصرهای فضای هستی
قلمرو	مسیر	مکان	مصادیق عینی از فضای جغرافیایی و منظر تا شهر و خانه و اشیا

**سلسله مراتب ادراک محیطی و شناخت موضعی
(بر اساس نظریه فضای هستی شولتز)**

این نظریه، توانمندی ویژه ای در توضیح تعامل انسان با محیط و منظر دارد. بخش مهم این نظریه، نگرش سلسله مراتبی انسان به محیط اطراف است. در این نگرش انسان عنصرهای فضای هستی رابه شکل موضعی (توپولوژیک) درک می کند که شامل مکان ها، مسیر ها و حوزه ها هستند. این عنصرها (مکان ها، مسیر ها و حوزه ها) در یک روند سلسله مراتبی از شیئی، فضای معماری داخلی و خانه تا فضای محله و شهر و چشم انداز و منظر و جغرافیای محیطی قابل شناسایی هستند [۹].

در رویکرد انسانی- محیطی هر سه حوزه زیبایی شناسی، بوم شناسی و اجتماع محلی در تعاملی پویا در شکل گیری محیط و منظر نقش دارند. به این ترتیب تقلیل رسالت و هدف معماری منظر به هریک از رویکرد های سه گانه یاد شده بخشی از کیفیت معماری منظر را فرو می کاهد. بر این اساس ادراک منظر، محصول تعامل همزمان بین ابعاد انسانی (تجربی) و ابعاد محیطی (فضایی) است. در ابعاد انسانی (تجربی) منظر، مفاهیمی چون القای حس تعلق، راهیابی در محیط، تداعی هویت، امنیت و مطلوبیت محلی مطرح می شود. بنابراین، طراحی بایستی در پی تقویت حس مکان و تعلق مکانی، بازسازی ذهنی و روحی انسان با طبیعت، تعریف قلمروهای عمومی و نیمه عمومی و خصوصی، تسهیل جهت یابی و راهیابی در فضا و نیز القای هویت، امنیت و مطلوبیت محلی باشد.

یک منظر طراحی شده و مطلوب می تواند تداعی کننده معانی تعلق و وابستگی به یک وضعیت اجتماعی یا مکانی باشد. همچنین مناظر طبیعی و طبیعت گرا قادرند افراد را از محیط های دلمرده و خسته کننده روزمره رها کرده و

ابعاد محیطی (فضایی)	ابعاد انسانی (تجربی)
مکان (مرکز): موقعیت هایی که حس فضایی حضور و بودن در مکان و مرکز را تعریف می کنند.	حس تعلق: تداعی معانی تعلق و وابستگی به یک وضعیت اجتماعی یا مکانی. احساس بازسازی ذهنی و روحی، تعامل اجتماعی، قلمروپایی
مسیر: موقعیت هایی که حس فضایی تداوم، انتقال و حرکت بین مکان ها و مرکزها را تعریف می کنند.	جهت یابی: جابه جایی و انتخاب مسیر و جهت، برخورداری از چشم انداز مناظر و دیدهای متوالی و متنوع، تغییر در مسیر و جهت و ورودی و خروجی و دروازه و فضا و عملکرد
قلمرو: موقعیت هایی که حس فضایی قلمروی یکپارچه و محدود را تعریف می کنند.	هویت اجتماعی و محلی: درک عرصه های خصوصی و عمومی، تداوم شناسه های محیط از راه تمایز کالبدها و عملکردها و نشانه ها

ابعاد انسانی - محیطی در معماری منظر بر اساس نظریه فضای هستی

آخرین مشخصه انسانی قابل انتقال از راه طراحی منظر القای حس امنیت و تقویت عینی امنیت از راه طراحی است. ایجاد محورهای دید و فضاهای عمومی نمایان و بدون گوشه های کور، استفاده متناسب و به جا از درختان کوتاه و بلند در تحدید و تعریف فضا و تلفیق مناسب فعالیت ها با فضاهای کالبدی از تدابیر مناسب در این زمینه است. در ابعاد محیطی (فضایی) منظر نیز تعریف مکان ها، مسیرها و قلمروها مطرح می شود و طراحی بایستی به سامان دهی مکان ها (مراکز مبدا و مقصد)، مسیرها (راه ها) و قلمروها (محدوده ها)ی کالبدی بپردازد. مکان ها (مراکز)، موقعیت هایی هستند که فضای حضور و بودن در مکان و مرکز را تعریف می کنند. یک مرکز دارای شکل متمرکز بوده و با مسیرهای متعدد ارتباط دارد. حس محصوریت قوی و داشتن دید به قلمرو بزرگتر و نیز استقرار در مجاورت مسیر مشوق عبور از دیگر مشخصات مرکز فعال است. مرکز از خوانایی اجتماعی (خاطره انگیزی موقعیت) برخوردار است. وجود تسهیلات و خدمات در مجاورت محیط و منظر، سیمای فیزیکی قابل درک از طریق یادمان ها و درختان و نظایر آن و امکان تداعی معانی و تعامل اجتماعی از راه کاربری های متنوع و شوق انگیز نظیر جشن، بازی، کار و فراغت از ویژگیهای اجتماعی یک مرکز فعال است. مرکز می تواند با دور کردن شهروند از منابع فشار و استرس روانی و تمهید آرامش و هم آوایی محیط از راه عنصرهای طبیعی مثل آب و پوشش گیاهی به بازسازی ذهنی و روانی افراد کمک کند.

مسیرها، موقعیت هایی هستند که فضای تداوم، انتقال و حرکت بین مکان ها و مرکزها را تعریف می کنند. همچنین منظور از طراحی قلمروها، موقعیت هایی هستند که قلمرو فضایی یکپارچه و محدودی را تعریف می کنند. ایجاد فضاهای متوالی، طراحی چشم اندازهای مناسب به افق و مناظر دور دست، تغییر در مصالح و رنگ و شکل و جهت و ابعاد مسیر و نقاط دید و طراحی دروازه، ورودی و خروجی از قابلیت های محیطی مسیر های متنوع محسوب می شود.

پژوهش های متعدد ثابت کرده اند که مردم به طور کلی محیط های طبیعی و روستایی نظیر مناظر پردرخت و گلزار و چمنزار و کوچه باغ و باغ و بوستان را به محیط های مصنوع مانند خیابان های مرکز شهر و گرهِ های ترافیکی و خیابان های شهری ترجیح داده و از حضور در آن مناظر آرامش بیشتری دریافت می کنند. برخی تحقیقات تجربی حاکی از آن است که اگر مردم در محیط زندگی شان، با مناظر نرم و با کیفیت طبیعی و بومی ارتباط داشته باشند سلامت عمومی و رفتار اجتماعی ساکنین و حتی نسل های بعدی آنان از این ارتباط منتفع خواهند شد و این امر حتی در رشد و تکامل جسمی - روانی گروه های ویژه نظیر کودکان و تعامل اجتماعی در کهنسالان تاثیر معناداری دارد [۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴].

به عقیده کاپلان ها، باغات به این دلیل مفید هستند که افزون بر زیبایی طبیعی و فراهم کردن مواد غذایی، زمین هایی را برای تجربه های بازسازنده فراهم کرده و امکان تمدد اعصاب و رفع خستگی ذهنی ناشی از زندگی روزمره را فراهم می کنند. فرصت و امکان حضور در فضای باز، انجام کار بدنی، مشاهده رشد گیاهان و کسب تجربه هایی متفاوت از زندگی روزمره همان اثرها و فایده هایی را در بردارد که در تجربه گذران اوقات فراغت در طبیعت وجود دارد [۱۴].

۴- طراحی منظر شهر ایرانی

طراحی و ساماندهی منظر شهری یکی از جذاب ترین پروژه های معماری منظر می باشد. با توجه به وضعیت ویژه شهرهای ایرانی که مرحله گذار از بافت سنتی به بافت نوگرا را تجربه می کنند ساماندهی منظر شهر یکی از مسایل مهم

نظر را در فضاهای باز درون شهری و برون شهری ارتقاء دهد. ضمن آنکه شناخت ابعاد انسانی در کنار ابعاد محیطی منظر می تواند به تعمیق شناخت معماران منظر و ارایه طرح هایی پایدار، پاسخگو با هویت منجر شود. همچنین با توجه به چالش های زیست محیطی در دنیای امروز و نظر به تاکید اصلی حرفه معماری منظر بر طبیعت و نقش غیر قابل انکار آن در حفظ و پایداری محیط، رویکرد بوم شناختی در شاکله کلیه فعالیت های معماری منظر در سطوح طراحی، مدیریت و برنامه ریزی ها مورد توجه است.

۶- مراجع

- [۱] منصور، سید امیر.. "درآمدی بر شناخت معماری منظر". فصلنامه باغ نظر. شماره دوم سال اول. پژوهشکده نظر، ۱۳۸۳.
- [۲] رحمانی، محمد جواد و محمد مطلبی. « واژه نامه منظر فرهنگ توصیفی تخصصی واژگان منظر سازی و معماری منظر»، نشر آفتاب گرافیک.. تهران، ۱۳۸۳.
- [3] Ian H. Thompson, Ecolog, community and delight a trivalent approach to landscape, Elsevier: 81-93, 2002.
- [۴] مکنون رضا، تحقیقات و توسعه پایدار، مجله رهیافت شماره ۱۷، تهران، ۱۳۷۷.
- [۵] ترنر، تام، "شهر همچون چشم انداز"، مترجم فرشاد نوریان، نشر شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.. تهران، ۱۳۷۶.
- [۶] اسفندیاری، منصور، "چشم انداز طبیعت در زیستگاه شهری". مجله همگامان شهرداری تهران. شماره ۶۰. تهران، ۱۳۷۶.
- [۷] بل، سایمون. "منظر: الگو، ادراک و فرایند". مترجم دکتر بهناز امین زاده. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۲.
- [8] Whyte W.H. City: Rediscovering the center, 1988. NEW YORK: Doubleday
- [۹] معماریان، غلامحسین. "سیری در مبانی نظری معماری". انتشارات سروش دانش.. تهران، ۱۳۸۴.
- [۱۰] گلکار، کوروش. "کندوکاوی در تعریف طراحی شهری" مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت مسکن و شهر سازی. تهران، ۱۳۷۸.
- [۱۱] صبری، سیروس. " منظر شهری ". فصلنامه معماری ایران. شماره دوازدهم و سزدهم. تهران، ۱۳۸۲.

بنابراین طراحان منظر ایرانی می توانند از طریق طرح هایی نظیر حفاظت و ارتقای کیفی عرصه های کوچک طبیعی در محیط شهری نظیر باغها و بوستان های درون شهری، ایجاد مسیرهای پیاده و طبیعت گرا و مدیریت زمان برای استفاده از فضاهای سبز در اماکن عمومی به ارتقاء کیفیت منظر شهری کمک کنند. بدیهی است که توجه به نگرش ها و ترجیحات محیطی شهروندان و ویژگی های زیست بوم محلی منجر به هویت بخشی منظر شهر خواهد شد.

۵- جمع بندی

رویکرد انسانی به طراحی محیط، امروزه در کلیه رشته های مرتبط با ساماندهی و طراحی محیطی مورد توجه قرار گرفته است. [۱۵،۱۶] اما این رویکرد در زمینه معماری منظر به اندازه کافی شناخته نشده است. مبتنی بر نگرش جامع انسانی- محیطی می توان طراحی منظر در سه حوزه زیبایی شناسی، بوم شناسی و اجتماع محلی به طور همزمان الگوسازی کرده و نقش هر حوزه را در تامین نیازها و شکوفای سازی قابلیت های انسانی تبیین کرد. در رویکرد پیشنهادی، ادراک معماری منظر، محصول تعامل همزمان بین ابعاد انسانی (تجربی) و ابعاد محیطی (فضایی) شناخته می شود. ابعاد انسانی (تجربی) منظر شامل القای حس تعلق، راهیابی در محیط، تداعی هویت و امنیت محلی است و طراحی بایستی در پی تقویت حس مکان و تعلق مکانی، بازسازی ذهنی و روحی انسان با طبیعت، تعریف قلمروهای عمومی و نیمه عمومی و خصوصی، تسهیل جهت یابی و راهیابی در فضا و نیز القای هویت، امنیت و مطلوبیت محلی باشد. ابعاد محیطی (فضایی) منظر شامل تعریف مکان ها، مسیرها و قلمروها است و طراحی بایستی به سامان دهی مکان ها (مرکزهای مبدا و مقصد)، مسیرها (راه ها) و قلمروها (محدوده ها) ی کالبدی بپردازد. درپایان، طراحی منظر شهر ایرانی به عنوان یک نمونه موردی شده و چنین استنتاج شده است که با توجه به گستردگی شهرهای ایران با مناظر انسانی- محیطی متنوع، باز شناخت چشم انداز شهر ایرانی، به عنوان پیش نیاز طراحی معماری منظر ضروری است. تحقیقات معدود انجام شده در این زمینه بر گسترش مطالعات تاکید دارند [۱۷]. بنابراین، توجه هم زمان این تخصص به قالب های بوم شناسی، زیبایی شناسی و مسایل اجتماعی می تواند کیفیت محیط و

[12] Sullivan W.C , Kuo F.E Depooter , S.F, The Fruit of Urban Nature ,Vital Neighbourhood Spaces. Environment and Behavior. 36(5):678-700, 2004.

[13] Kaplan ,Stephen & Rachel Kaplan." Health, Supportive Environments and the Reasonable Model. University of Michigan. American Journal of Public Health,93,9,1484-1489, 2003.

[۱۴] رضازاده، راضیه. "طبیعت در شهر و شهر سازی معاصر". فصلنامه آبادی. شماره هفدهم، ۱۳۸۵.

[۱۵] مطلبی، قاسم، "رویکردی انسانی به شکل دهی فضاهای شهری" نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ص ۵۷-۶۶.

[16] Thwaites ,Kevin & Ian Simkins. "Experiential landscape place: exploring experiential potential in neighborhood settings". Urban design International 10,11-22, 2005.

[۱۷] منصوری، امیر. "چشم اندازهای شهری ایرانی". مجله شهرنگار. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. شماره ۹ و ۱۰. ۱۳۷۸.